

ملکشاهی، غلامرضا؛ نیک‌پور، عامر و غلامی، سپیده (۱۳۹۷). شناخت و ارزیابی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۲)، ۳۵۰-۳۲۷.



شناخت و ارزیابی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

غلامرضا ملک‌شاهی^۱، عامر نیک‌پور^۲ و سپیده غلامی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰

چکیده

مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها پدیده‌ی نوینی نیست، گرچه از نیمه دوم قرن بیستم اهمیت بیشتری یافته است. برای تقویت و گسترش این مفهوم، شناخت عوامل مرتبط با آن امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان شهر آمل و حجم نمونه را ۳۵۲ نفر تشکیل داده‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای، اسنادی و نیز میدانی (پرسشنامه‌ای) و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان کمتر از حد متوسط بوده است. از بین انواع مشارکت شهروندان، تنها مشارکت اجتماعی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشته و مشارکت‌های مالی، فیزیکی، فکری، ذهنی و سیاسی از حد متوسط پایین‌تر بوده است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که از بین ۸ مولفه که مورد آزمون قرار گرفتند، تنها چهار مولفه عضویت انجمنی، آگاهی، بی‌قدرتی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با ضرایب همبستگی ۰/۳۸۳، ۰/۳۳۳، ۰/۲۳۰ - و ۰/۲۲۷ به ترتیب با میزان مشارکت رابطه داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت؛ مشارکت شهروندی؛ مدیریت شهری؛ آمل.

۱- استادیار دانشگاه مازندران، جغرافیای آمایش (نویسنده مسئول)، ghmalek@umz.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه مازندران، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، a.nikpour@umz.ac.ir

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران، sepidehgh69@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

چگونگی اداره‌ی جامعه، از مسائل مهم حیات بشری است که ریشه در نیازهای طبیعی و اجتماعی وی دارد. واقعیت‌های زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد که زندگی انسان در تنهایی و انزوا ناممکن و ناپسند است. چگونگی تنظیم روابط اجتماعی و اداره‌ی اجتماعات از همان آغاز همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است. امروزه پس از میلیون‌ها سال تجربه‌ی حیات اجتماعی، روش‌های اداره‌ی جوامع از نظر شکل و محتوا، یک روند رو به کمال را طی کرده است. محوری‌ترین تفاوت این روش‌ها را اصل مشارکت تعیین می‌کند (حسین زاده و ایدر، ۱۳۹۱: ۶۰). مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها پدیده‌ای نوین نیست، بلکه در طول تاریخ با ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان پیوند داشته است. ریشه‌های تاریخی مشارکت شهروندی را می‌توان به دولت شهرهای یونان باستان نسبت داد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

با توجه به این‌که شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود، لزوم همکاری و توجه به ابعاد مختلف تعامل این سه رکن، بیش از پیش آشکار می‌شود. به طوری که مدیریت شهری (شهرداری) به عنوان مرجع اصلی اداره و هماهنگی شهری، مکلف به سازماندهی و مدیریت شهر می‌باشد (پاپلی‌یزدی و رجیبی، ۱۳۸۶: ۵۱). مشارکت شهروندان از پیش‌نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه‌ها و به ثمر رسیدن تلاش‌های مدیریت شهری است. با مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، می‌توان از توانایی‌های آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف مدیریت شهری کمک گرفت و از سوی دیگر مشارکت خود باعث توانمندسازی شهروندان می‌گردد.

مشارکت، فرایند درگیر شدن کلیه‌ی گروه‌های مردم در همه‌ی مراحل توسعه، جهت ظهور توانایی‌ها و قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آن‌ها است و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته است و همه از آن به عنوان عنصر مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه‌ی پایدار سخن رانده‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی است و افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای ایفا کند (همان: ۱۶) (به نقل از تقوایی، بابانسیب و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۱). چنانکه شهر به مثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در راس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده شود که همان مدیریت شهری است (شعیب، ۱۳۸۲: ۳۹). مدیریت شهری گروه‌ها را در شبکه‌های مختلفی که منافع آن‌ها حکم می‌کند، قرار می‌دهد و توجه

به منافع آن‌ها در جهت دهی ساختار شهری موثر می‌افتد. مشارکت به عنوان اساسی ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه، به ویژه توسعه‌ی شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. مشارکت مردم در هر یک از مراحل و انواع طرح‌های عمرانی، سبب بهبود شرایط عمومی، توزیع قدرت و بالا رفتن سطح امید به زندگی می‌شود. همچنین سیستم تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت دولتی متمرکز را به سمت مدیریت محلی و از پایین به بالا (توسعه مشارکتی) با توجه به نیازها و امکانات، توانمندی‌ها و الویت‌هایشان سوق می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۸). نهادهایی چون بانک جهانی یکی از شروط اصلی تحقق برنامه‌هایی چون بهبود مدیریت شهری و افزایش بهره‌وری شهری را بهره‌گیری از مشارکت‌های عمومی و خصوصی می‌داند. عموماً به شهرداری‌ها توصیه می‌شود تا با انجام کارهایی چون مقررات زدایی و اصلاح نظام‌های حقوقی مربوط به زمین، مسکن، امور مالی، زیربنای، خدمات و بازارهای اشتغال، تمرکززدایی قدرت‌های مدیریت شهری از سطوح مرکزی به سطح دولت محلی و مشارکت عمومی و گروه‌های محلی در طراحی و اجرای پروژه‌ها و بهبود امور مالی در جهت حل مشکلات خویش گام بردارند. در این خصوص سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های داوطلبانه خصوصی به عنوان کارگزاران مناسب برای پیشبرد برنامه‌های توسعه معرفی شده‌اند که باید مورد حمایت قرار گیرند (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰: ۱۷). رشد فزاینده‌ی ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه‌ی اخیر، موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، توجه و تاکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است. در دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» و تاکید بر اجتماعات محله‌ای به منظور توانمندسازی آن‌ها و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تاکید داشته‌اند (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۷). از همین رو در برنامه‌ریزی برای مشارکت دادن، حضور آگاهانه و معنادار شهروندان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و رفاهی و محلی، یکی از مهمترین دغدغه‌ها و ضرورت‌های مدیران شهری است (نوریان، ۱۳۹۱: ۷).

محدوده مورد مطالعه در این مقاله شهر آمل در استان مازندران است. روند رو به رشد جمعیت و شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در این شهر از یک سو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریت و کنترل توسعه شهری، جهت رفع مشکلات و تنگنایهای مذکور از سوی دیگر، شرایط نابسامان و ناپایداری را در شهر آمل خلق نموده است

که برخی از نمودهای آن را می توان در شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی، گسترش کالبدی شهر و افزایش هزینه های ایجاد زیرساخت ها، مشکلات اجتماعی و فرهنگی، چون افزایش نامنی و جرم و جنایت، وندالیسم شهری، افزایش شکاف طبقاتی فقیر و غنی و مشاهده نمود. لذا اهتمام دربرگیری واقعی مشارکت شهروندان در برنامه ریزی توسعه ی شهری می تواند تاثیر اساسی در دستیابی به توسعه پایدار شهری داشته باشد. تحقیق حاضر بر آن است تا به سوالات زیر پاسخ دهد: ۱- میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر چگونه است؟ ۲- مهمترین عامل مرتبط با مشارکت شهروندان کدام می باشد؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیر شدن و تجمع برای منظور خاص است. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث های فراوانی شده است، ولی در مجموع می توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیر پذیری دانست. با پذیرش این جوهره، برخی از صاحب نظران مدیریت، تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده اند: «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یاری دهند و در مسوولیت کار شریک شوند» (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۸۳). به لحاظ موضوعی مشارکت را می توان به گونه هایی چون، ذهنی و فکری، اقتصادی (مالی)، فیزیکی، سیاسی و اجتماعی تقسیم کرد.

در مرتبه نخست و شاید بیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، تنها به کوشش های بدنی (فیزیکی) محدود نمی شود، در مشارکت خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی های وی و یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روانشناسی است، نه جسمانی (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

یکی دیگر از انواع مشارکت، اقتصادی و مالی است. شهرداری ها به عنوان متولیان اصلی ارائه ی خدمات شهری، برای تامین هزینه های فعالیت های خود از چند منبع اصلی استفاده می کنند. اما در زمان حاضر، درآمد حاصل از عوارض و مالیات، نقش اصلی را در تامین درآمدهای شهرداری ها ایفا می کنند و سایر منابع کمتر به صورت مطمئن مورد بهره برداری قرار می گیرند. از دیدگاه اغلب تحلیل گران نقش مشارکت مردم در تامین مالی هزینه ها و خدمات

شهری بیشتر در زمینه پرداخت عوارض و مالیات متجلی می‌گردد (مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

مشارکت فیزیکی نوعی از مشارکت است که در آن وسیله مشارکت، خود مشارکت کننده یا افرادی است که او انتخاب می‌نماید. در این نوع مشارکت هرکس بسته به تخصص و توانایی خود در بهبود بخشی به محیط شهری و یا کمک به مدیران شهری همکاری می‌کنند. مثلاً مشارکت در پاکسازی شهر یا کوهستان از زباله‌ها، در روز خاصی از سال به صورت سمبولیک که در واقع ساده‌ترین نوع مشارکت می‌باشد (یاور، ۱۳۸۰).

نوع دیگر مشارکت، سیاسی است. فرد با اتخاذ تصمیماتی که عمدتاً مبتنی بر رای‌گیری است در انتخاب مدیران شهری مشارکت می‌نماید. گاهی نیز مشارکت‌های سیاسی در قالب اعتراض و تحصن‌های گروهی شکل می‌گیرد که مدیران شهری مجاب شوند به خواست آنان احترام بگذارند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

مشارکت اجتماعی یکی از انواع مشارکت است که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطح پایین (شهرداری، نظام آموزشی و...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی قانون‌گذاری اجرایی و قضایی) است. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند که در قالب سیاست‌های اجتماعی مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند (دانشمندی، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی این مقاله مفهوم مدیریت شهری است. مدیریت شهری عبارت است از اداره‌ی امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار و هم‌چنین یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اعضای رسمی و غیر رسمی موثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیاط شهر، با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار شهر مورد نظر (رضویان، ۱۳۷۵: ۱۲). مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۹). مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کرده و براساس آن‌ها به ترسیم آینده ایده‌آلی که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد. در این گذر باید به این نکته تاکید کرد که شهرنشینی و مدیریت شهری باید با رشد معیارها و رفاه

اجتماعی توأم باشد و با ایجاد تسهیلات اجتماعی برای تمام اقشار جامعه شهری، فرصت های مناسب را به حداکثر رساند و محیط شهری را در جهت عرصه ها و ارزش های فرهنگی و انسانی ارتقا بخشد (رجبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴).

صاحب نظران مختلفی در مورد عوامل موثر بر مشارکت اظهار نظر کرده اند. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، احساس بی قدرتی که در افراد نسبت به یک سازمان یا نهاد وجود دارد، بر عمل و کنش آنان در مقابل آن سازمان موثر است. در این زمینه، نظریات سطح کلان همانند نظریات کارل مارکس، گئورک زیمل، ماکس وبر از مهم ترین بحث های ارائه شده در رابطه با بیگانگی انسان ها نسبت به دست ساخته هایشان و احساس بی قدرتی آنان در مقابل آنها می باشد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۱). همچنین مطالعات تجربی که بر این پایه صورت گرفته است (ملوین سیمن^۱، نیل سیمن^۲ و ماری لوین^۳) مشارکت را تابع همین احساس دانسته اند؛ بدین معنی که شهروندان، شهرداری را به عنوان یک نهاد خارج از خود و یک نیروی مستقل می بینند که در برابر آن قدرتی ندارند و این نهاد بر آنها مسلط شده است (هاشمیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

هومنز مشارکت را در قالب نظریه مبادله مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در نظریه وی آنچه موجب بروز یک رفتار می شود و پایداری آن را سبب می گردد، پاداش حاصل از انجام آن است (ریتزر، ۲۰۱۱: ۴۲۹). وی رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی می کند. مشارکت زمانی نهادی می شود که منافع حاصل از آن، بر هزینه ها فزونی گیرد. مشارکت هنگامی از فرد سر می زند که در قبال آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری پرداخت کند (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۸۵).

به اعتقاد هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی- اجتماعی بوده که از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است که کسب منزلت های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می کند و نگرش را نسبت به توانایی های او در تاثیر نهادن بر تصمیم گیری ها مساعد می سازد. این نگرش، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت های اجتماعی را تقویت می کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا نگرش بی قدرتی می گذارد، بر مشارکت موثر می افتد (شکل ۱). در این میان، متغیر سواد بیش از دیگر متغیرهای منزلتی بر

1- Melvin Seaman

2- Neil Seaman

3- Marie Levine

مشارکت اثر دارد. فرآیند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثر می گذارد؛ عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و...) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می کند. این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن‌ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد (به نقل از رضایی، ۱۳۷۵: ۲۵ - ۲۴).

افزایش مشارکت اجتماعی → احساس توانایی → منزلت اجتماعی بالاتر

شکل ۱- فرایند تاثیر توسعه اقتصادی-اجتماعی بر مشارکت اجتماعی

لیپست^۱ جامعه شناس معاصر در کتاب انسان سیاسی خود تلاش نمود که متغیرهای متعددی را در مدلی کلی برای تبیین مشارکت تنظیم نماید. لازم به توضیح است که این متغیرها آشکارا به صورت جامعه شناختی است که پدیده مشارکت یا عدم مشارکت افسار و گروه‌های مختلف اجتماعی را در فرایند اجتماعی، سیاسی؛ مانند انجمن‌ها، سندیکاهای کارگری، شوراهای محلی، انتخابات، احزاب و مانند آن براساس چندین عامل کلی اجتماعی تبیین می کنند. لیپست در دو سطح توصیف تبیین، مدل نسبتا جامعی را از عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت ارائه داده است. به نظر وی «کارگرانی که در اجتماع شغلی فعال هستند در امور تشکیلاتی فعال ترند، بنابراین درجه بالای مشارکت اجتماعی با نتایج سیاسی که به بار می آورد متاثر از عواملی چون پایگاه شغلی است». لیپست براساس یافته‌های پژوهشی در کشورهای مختلف میزان مشارکت را در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متاهلین، شهرنشینان، افراد میان سال و افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها و احزاب، سندیکاهای و شوراهای بیشتر می داند. او با تاکید بر همبستگی بین شهرنشینی، گسترش سواد، رسانه‌های گروهی و پیدایش نهادهای مشارکتی به تشریح مشارکت افراد می پردازد (به نقل از حسین زاده، ۱۳۹۱). نظریه پردازان مختلف در زمینه مشارکت، به عوامل تاثیرگذار بر مشارکت و مشارکت پذیری پرداخته‌اند که در جدول ۱ به مواردی از آن‌ها اشاره شده است:

1- Lipset

جدول ۱: عوامل مرتبط با مشارکت و مشارکت پذیری از دیدگاه نظریه پردازان

عنوان عوامل تاثیر گذار	نوع تاثیر	نظریه پرداز
بی قدرتی	-	اولسن ^۱ ، دوايت دين، سيمن ^۲ ، مارکس، علوی تبار (۱۳۷۹)
اثر بخشی	+	آلبرت باندورا و دال ^۳
موقعیت اجتماعی اقتصادی مناسب	+	اینگلهارت ^۴ (۱۳۷۳)، اکسلرد ^۵ (۱۹۵۰)، ویلسون و مازیک ^۶ (۱۹۹۷)، هانتینگتون و نلسون
سطح آگاهی و اطلاع	+	طالب (۱۳۷۶)
فایده و پاداش	+	نظریه انتخاب منطقی (سعیدی، ۱۳۸۲)، هومنز (ریترز، ۱۳۸۳)
عضویت انجمنی	+	گمسون ^۷ سیلز ^۸ ، مایرون وینر ^۹ و آلن تورن ^{۱۰}
اعتماد اجتماعی	+	گیدنز ^{۱۱} ، لوهمان ^{۱۲} ، باربر ^{۱۳} ، دریسکول، اینگلهارت
رضایت از خدمات شهری	+	گرونبرگ ^{۱۴}

منبع: (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۷) با انجام تغییرات

۲-۲- پژوهش های تجربی

در زمینه مشارکت شهروندان پژوهش های داخلی و خارجی متعددی انجام شده است. هاشمیان (۱۳۸۹) به مطالعه میزان مشارکت شهروندان مشهدی در امور شهری شهر مشهد و عوامل موثر بر آن پرداخت. نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان می دهد که بین متغیرهای

- 1- Olsen
- 2- Seaman
- 3- Albert Bandura and Dale
- 4- Inglehart
- 5- Axelard
- 6- Wilson and Mazyk
- 7- Gamson
- 8- Sills
- 9- Myron Weiner
- 10- Alan Thorne
- 11- Giddens
- 12- Lohman
- 13- Barber
- 14- Grünberg

احساس بی‌قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری و احساس خوداثربخشی پاسخگویان رابطه معنی داری وجود دارد. هم‌چنین یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون دو متغیره نشان داد که موثرین متغیر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، رضایت از عملکرد شهرداری می باشد و بعد از آن متغیرهای عضویت انجمنی، احساس بی‌قدرتی، آگاهی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و سن با توجه به ضریب تاثیر در رده های بعدی قرار دارند. اجزاء شکوهی و همکاران (۱۳۹۳) رابطه میان مشارکت اجتماعی - اقتصادی با متغیرهای تحصیلات، آگاهی، اعتماد، شناخت نیازهای ساکنین، کسب پاداش و فعالیت در نهادهای غیردولتی و تشکل های مردمی مورد تایید قرار گرفته است. در این میان سهم متغیر فعالیت در نهادهای غیردولتی و تشکل های مردمی از همه بیشتر بوده است. آنامرادنژاد و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی نقش ویژگی‌های فردی از جمله میزان تحصیلات، نوع شغل و مدت اقامت در میزان مشارکت و نقش آنان در توسعه پایدار شهر آمل پرداختند. برخی نتایج این تحقیق نشان دهنده مشارکت ضعیف شهروندان شهر امل در توسعه پایدار شهری، وجود تفاوت معنادار میان سابقه سکونت شهروندان و تمایل به مشارکت در شهر آمل و نیز تفاوت معنادار میان تمایل به مشارکت مردم از نظر وضعیت شغلی و تحصیلی شان می باشد. الشوکی (۱۳۸۳)، با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه نشان داد که احساس بی‌قدرتی، میزان آگاهی و اطلاعات در زمینه‌ی مسائل شهری، میزان هزینه و فایده مشارکت و تعداد گروه‌های غیردولتی که فرد در آنها عضویت دارد، با میزان مشارکت رابطه دارند. عبدالله پور و همکاران (۱۳۹۲) میزان مشارکت پذیری شهروندان تهرانی و عواملی که در آن تاثیر دارد را مورد بررسی قرار داده‌اند. شاخص های تحقیق شامل جنسیت، وضعیت شغلی، آگاهی و اطلاعات درباره امور شهری، انتظار پاداش از مشارکت، عضویت انجمنی، سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به آن بوده است. نتایج تحقیق بیانگر متوسط بودن سطح مشارکت پذیری شهروندان بوده و رابطه معناداری بین این متغیرها و میزان مشارکت وجود دارد.

در تحقیقات خارجی همانند کلی و دنیس (۲۰۰۸)، لوکهارت (۲۰۰۳)، اعتمادی (۲۰۰۰) و مارشال (۲۰۰۴) نیز میزان مشارکت مردم در امور شهری در حد متوسط رو به پایین می باشد و مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت در این تحقیقات نیز شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، نوع مالکیت منزل و میزان آگاهی می باشد. دانیل مونتاولو (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی مشارکت شهروندان در جلسات شهری شهرداری پرداخته است. گزارش تحقیق نشان داد که در شرایط آمریکای لاتین

مشارکت شهروندی در حکومت محلی نسبتاً پایین است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان با میزان مشارکت آنان در جلسات شهری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که مردمی که در نواحی کوچک‌تر مانند روستا زندگی می‌کنند مشارکت بیشتری در جلسات شهری داشته‌اند. کسانی که تحصیلات بالاتری داشته‌اند مشارکت بیشتری نسبت به افرادی با تحصیلات پایین یا بدون هیچ تحصیلاتی در جلسات شهری دارند.

در جمع بندی مبانی نظری و پیشینه تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط بین سه رکن اصلی شهر، یعنی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری، از طریق مشارکت شهروندان حاصل می‌شود. جلب اعتماد شهروندان برای مشارکت در اداره امور شهر، موجب استفاده از خرد جمعی و جلب انواع مشارکت‌ها در اداره امور شهر خواهد شد. تاثیر این امر علاوه بر بهتر شدن وضعیت مدیریت شهری، روی منابع درآمدی شهرداری‌ها، بهتر شدن وضعیت کالبدی شهر و حفظ محیط زیست و جامعه شهری اثرات مثبتی خواهد داشت. شرکت دادن مردم در اداره امور مربوط به خودشان، گامی به سوی سیاست‌های تمرکز زدایی است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که در کشور ما، در مجموع میزان مشارکت پایین است و عواملی چون: اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، عضویت انجمنی، احساس بی قدرتی، نوع مالکیت و میزان آگاهی روی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر موثر هستند. با مطالعه موارد فوق، فرضیه‌هایی که برای سوال‌های مطرح شده در این مقاله ارائه می‌شود به صورت زیر است:

فرضیه اول: میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر در حد پایینی قرار دارد.

فرضیه دوم: مهمترین عاملی که با مشارکت رابطه دارد پایگاه اجتماعی-اقتصادی است.

۲-۳- معرفی شاخص های مورد مطالعه و مدل مفهومی تحقیق

اعتماد اجتماعی: عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه‌ای حمایت کننده در پیش خواهند گرفت (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۷۲). یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند، اعتماد اجتماعی است؛ به طوری که بشر امروزی بدون اعتماد اجتماعی تا حد زیادی قادر به حیات اجتماعی نیست. در واقع زندگی انسان، بدون اعتماد اجتماعی تحمل ناپذیر خواهد بود. این امر ممکن است باعث از هم

پاشیدگی فرد و نابودی شود. اعتماد به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده‌ی مفهوم سرمایه اجتماعی، یکی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است (همان: ۷۱).

آگاهی اجتماعی: مجموعه‌ای از افکار، عقاید و حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هر آنچه که در وسیع‌ترین معنی به امور عمومی اعم از سیاسی و یا اجتماعی مربوط می‌باشد (فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۲۷).

پایگاه اجتماعی-اقتصادی: جایگاهی است که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند. وضع یا اعتبار اجتماعی است که معاصران فرد، به‌طور عینی به او در بطن جامعه‌ای که در آن حیات می‌کند تفویض می‌دارند. به عبارت دیگر جایی که یک فرد خاص در نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند پایگاه او در این نظام خوانده می‌شود، (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۸۱).

بی قدرتی: به عنوان یکی از اجزاء سازنده "بیگانگی" یعنی فقدان یا ضعف کنترل بر حوادث، رویدادها، اشیاء، و سازمان‌هایی که بر سرنوشت انسان موثرند (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: صص ۴۰-۴۱).

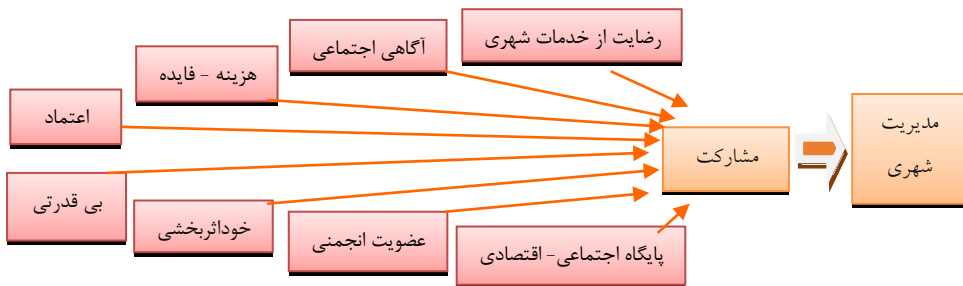
عضویت انجمنی: آلن بیرو مشارکت را به معنای «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن» تعریف می‌کند. او بین مشارکت به‌عنوان حالت یا وضع و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد تفاوت قائل می‌شود. در معنای اول به معنای تعلق داشتن به گروهی خاص و در معنای دوم به معنای شرکت فعالانه در گروه می‌باشد (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۵۷). از جمله نظریه پردازانی که عضویت انجمنی افراد را بر مشارکت آنان موثر می‌دانند گمسون، سلیز، مایرون وینر و آلن تورن می‌باشند. منظور از عضویت انجمنی در این پژوهش عبارت است از گروه‌هایی که فرد خارج از چارچوب‌های اجباری ناشی از مسائل شغلی، خانوادگی، دوستی و غیره در آن‌ها به‌صورت داوطلبانه عضو شده، فعالیت و مشارکت می‌کند. مارتین لیپست پدیده مشارکت یا عدم مشارکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را در فرایند اجتماعی، سیاسی؛ مانند انجمن‌ها، سندیکاهای کارگری، شوراها، محلی، انتخابات، احزاب و مانند آن براساس چندین عامل کلی اجتماعی تبیین می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۵۶).

خوداثربخشی: در این نظریه فرد به میزان اثرگذاری عمل خود در جامعه توجه می‌کند و اگر ارزیابی وی این باشد که عمل او اثرگذار و تعیین کننده است، دست به انجام آن می‌زند و در غیر این صورت از آن خودداری می‌کند (دال، ۱۹۸۴: ۹۹).

رضایت از خدمات شهرداری: رضایت، عبارت است از میزان ارضای امیال (انتظارها و نیازها) فرد، به گونه‌ای که هر چه نیازها و انتظارات فرد بهتر برآورده شود، رضایت و خشنودی فرد از آن شخص یا موقعیت بیشتر خواهد بود. رضایت از خدمات شهرداری در این پژوهش یعنی میزان رضایت یا عدم رضایت مردم از خدماتی که شهرداری در سطح شهر ارائه می‌دهد.

هزینه - فایده: مولفه‌ی هزینه - فایده در این تحقیق به این معناست که افراد در قبال کاری که انجام می‌دهند و برای آن هزینه و وقت صرف می‌کنند پاداشی دریافت می‌کنند یا خیر.

مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل ۲ نشان داده شده است:



شکل ۲-مدل مفهومی تحقیق

۳-روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی است، که در انجام آن با توجه به ماهیت مطالب و نوع موضوع مورد مطالعه، اطلاعات به صورت مطالعات میدانی و استفاده از پرسشنامه و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، جمعیت بالای ۱۸ سال شهر آمل بوده است. این شهر براساس آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ دارای ۶۷۱۸۲ خانوار و ۲۱۹۹۱۵ نفر جمعیت بوده است. پرسش‌نامه تهیه شده شامل دو بخش است: بخش اول شامل سوالات مربوط به سنجش متغیر وابسته مشارکت، که خود از پنج بعد مشارکت فیزیکی (۵ سوال)، مشارکت فکری و ذهنی (۵ سوال)، مشارکت سیاسی (۴ سوال)، مشارکت مالی (۴ سوال) و مشارکت

اجتماعی (۵ سوال) تشکیل شده است. بخش دوم شامل سوالات مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش که سنجش رابطه آن‌ها با متغیر وابسته این پژوهش مد نظر است. این متغیرهای مستقل شامل پایگاه اجتماعی-اقتصادی (۳۱ سوال)، عضویت انجمنی (۷ سوال)، خوداثربخشی (۴ سوال)، بی‌قدرتی (۶ سوال)، اعتماد (۳ سوال)، هزینه-فایده (۲ سوال)، آگاهی اجتماعی (۴ سوال) و رضایت از خدمات شهری (۹ سوال) می‌باشد. نحوه ارزش‌گذاری داده‌ها با استفاده از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با حداکثر امتیاز ۵ و حداقل امتیاز ۱ انجام شده است. پایایی ابزار سنجش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شده است، به این ترتیب که پس از تنظیم پرسش‌نامه، با انجام یک مرحله پیش‌آزمون مقدماتی با نمونه‌ی تصادفی ۳۰ نفری در سطح شهر، سازگاری درونی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ انجام شده است. نتایج آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص‌های پژوهش

شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت فیزیکی	۵	۰/۷۵
مشارت فکری و ذهنی	۵	۰/۷۰
مشارکت سیاسی	۴	۰/۸۰
مشارکت مالی	۴	۰/۷۱
مشارکت اجتماعی	۵	۰/۷۱
رضایت از خدمات شهری	۹	۰/۶۸
هزینه-فایده	۲	۰/۸۰
خود اثربخشی	۴	۰/۷۹
بی‌قدرتی	۶	۰/۷۴
عضویت انجمنی	۷	۰/۷۲
اعتماد	۳	۰/۷۴
آگاهی	۴	۰/۶۹
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۳۱	۰/۷۱

ماخذ: نگارندگان

بر اساس مقادیر جدول ۲، میزان آلفا برای همه متغیرها بیانگر پایداری قابل قبول ابزار اندازه گیری است. با توجه به مقادیر به دست آمده، ضرایب برای تمام متغیرها در حدود ۰/۷۰ و یا بالاتر از آن و در حد قابل قبول است. برای سنجش روایی ابزار سنجش از اعتبار محتوا استفاده شده است، به این صورت که نظر متخصصان، استادان دانشگاه و کارشناسان و مدیران شهری استفاده شده است. با انجام مصاحبه های متعدد، اصلاحات لازم انجام شد و به این ترتیب اعتماد پذیری پرسش نامه مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است و حجم نمونه با توجه به تعداد ۶۷۱۸۲ خانوار و احتمال خطای ۵ درصد ۳۸۲ خانوار محاسبه شد. پرسشنامه ها با توجه به اطلاعات موجود در مورد تعداد خانوارها در نواحی مختلف شهر آمل، در مرکز پژوهش شورای شهر آمل، به تعداد ۱۵۰ عدد در نواحی شرق و ۲۳۲ عدد در نواحی غرب رودخانه هراز بین خانوارها به طور تصادفی توزیع شد و از بین آن ها در مجموع تعداد ۳۵۲ پرسش نامه با کیفیت مورد بررسی قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار اسپاس اس ۱ استفاده شده است. نتایج در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در یافته های استنباطی با توجه به هدف تحقیق از آزمون های آماری تی تک نمونه ای و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- یافته های توصیفی

از ۳۵۲ نفر نمونه آماری تحقیق، ۵۴/۳ درصد را مردان و ۴۵/۷ درصد را زنان تشکیل می دهند. ۶۲/۸ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۴۰ - ۲۰ سال، ۳۴/۴ درصد در گروه سنی ۶۰ - ۴۰ سال و ۲/۸ درصد در گروه سنی ۸۰ - ۶۰ سال می باشند. از میان نمونه مورد مطالعه، ۸/۸۱ درصد دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، ۱۵/۳۵ درصد دیپلم، ۱۶/۱۹ درصد فوق دیپلم، ۴۲/۴۶ درصد لیسانس و ۱۶/۱۹ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده اند. ۳۶/۴ درصد از پاسخگویان دارای شغل آزاد، ۱۷ درصد خانه دار، ۱۵/۱ درصد کارمند، ۱۰/۲ درصد استاد دانشگاه و معلم، ۸ درصد مهندس، ۷/۴ درصد دانشجو، ۶ درصد بازنشسته می باشند.

۴-۲- یافته های استنباطی

برای تعیین نوع آزمون جهت نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده شده است. طبق نتایج این آزمون در جدول ۳، سطح معنی داری داده‌ها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد و نشان از نرمال بودن داده‌های تحقیق دارد، در نتیجه می توان از آزمون های پارامتریک استفاده نمود.

جدول ۳: نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف جهت بررسی نرمال بودن داده های شهر آمل

متغیر	کولموگروف- اسمیرنف	سطح معنی داری	نتیجه
مشارکت	۱/۰۰۰	۰/۲۷۰	نرمال

منبع: یافته های میدانی و محاسبات نگارندگان

۴-۲-۱- بررسی میزان مشارکت شهروندان از طریق آزمون تی^۱

فرضیه اول: میزان مشارکت شهروندان در مسائل مربوط به شهر در حد پایینی قرار دارد. برای آزمون این فرضیه، ابتدا گویه‌های مرتبط با هر مؤلفه با هم ترکیب شده و با استفاده از آزمون تی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به نتایج استخراج شده از پرسشنامه برای مولفه‌های مشارکت فیزیکی میانگین ۲/۵۴، مشارکت فکری میانگین ۲/۷۸، مشارکت سیاسی میانگین ۲/۱۷ و مشارکت مالی میانگین ۲/۶۸ همگی از میانه نظری یعنی عدد ۳ کوچک‌ترند. این امر نشان دهنده‌ی سطح پایین مشارکت در شهر آمل می‌باشد. تنها مولفه‌ی میزان مشارکت اجتماعی با میانگین ۳/۰۲ از میانه نظری ۳ بیشتر است. میانگین کل مشارکت نیز برابر ۲/۶۶ می‌باشد که پایین تر از حد متوسط است. نتایج آزمون تی جدول ۴، میزان پایین مشارکت مردم در امور شهر را با سطح معنی داری (۰/۰۰۱) کوچکتر از ۰/۰۵ تایید می‌نماید. بنابراین نتایج، فرضیه مورد نظر مبتنی بر پایین بودن میزان مشارکت تایید می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه برای انواع مشارکت در شهر آمل

متغیر	میانگین	مقدار آماره	درجه آزادی	معنی داری	انحراف معیار	فاصله اطمینان ضریب ۹۵٪	
						حد بالا	حد پایین
مشارکت فیزیکی	۲/۵۴	۱/۰۶۰	۳۵۱	۰/۳۹۰	۰/۷۹۱	۰/۱۲۷۷	- ۰/۰۳۸۲
مشارکت فکری	۲/۷۸	۶/۷۵۵	۳۵۱	۰/۰۰۰	۰/۷۷۹	۰/۳۶۲۲	۰/۱۹۸۹
مشارکت سیاسی	۲/۱۷	- ۸/۱۳۷	۳۵۱	۰/۰۰۰	۰/۷۴۸	- ۰/۲۴۶۳	- ۰/۴۰۳۳
مشارکت مالی	۲/۶۸	۴/۷۴۴	۳۵۱	۰/۰۰۰	۰/۷۲۴	۰/۲۵۹۲	۰/۱۰۷۳
مشارکت اجتماعی	۳/۰۲	۱۳/۷۹۲	۳۵۱	۰/۰۰۰	۰/۷۰۸	۰/۵۹۴۸	۰/۴۴۶۴
مشارکت کل	۲/۶۶	۶/۱۵۳	۳۵۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰۴	۰/۲۱۸۲	۰/۱۱۲۵

منبع: یافته های میدانی و محاسبات نگارندگان

۴-۲-۲- نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه

فرضیه دوم: موثرترین عاملی که با مشارکت رابطه دارد پایگاه اجتماعی-اقتصادی است. به منظور شناخت بیشتر عوامل مرتبط با متغیر وابسته از رگرسیون گام به گام استفاده شد. به این منظور کلیه متغیرهایی که از لحاظ نظری می توانستند بر متغیر وابسته یعنی مشارکت تاثیر بگذارند را وارد معادله ی رگرسیون کرده، سپس تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفتند. طبق نتایج به دست آمده از بین ۸ متغیر استفاده شده در تحقیق تنها چهار متغیر عضویت انجمنی، آگاهی، بی قدرتی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با میزان مشارکت رابطه دارند. همانگونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه می گردد مقدار ضریب تعیین تعدیل شده متغیر عضویت انجمنی برابر است با ۰/۱۸۵ که نشان می دهد ۱۸/۵ درصد از کل تغییرات میزان مشارکت شهروندان وابسته به متغیر عضویت انجمنی است. همچنین ضریب بتای ۰/۳۹۴ بدین معنی است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این متغیر، تاثیر مشارکت آن ها به میزان ۰/۳۹۴ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. در گام دوم متغیر آگاهی وارد مدل رگرسیونی شد، که در اثر این متغیر، آماره ضریب تعیین تعدیل شده به ۰/۲۷۸ افزایش یافت، که نشان دهنده ۲۷/۸ درصد از کل تغییرات میزان مشارکت وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده در مدل است. همچنین ضریب رگرسیونی استاندارد شده با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ برابر با ۰/۲۵۶ است، به این

معنی که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر آگاهی، تاثیر آن بر مشارکت به میزان ۰/۲۵۶ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره در شهر آمل

سطح معنی داری Sig	F	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری Sig	t	ضریب استاندارد شده	ضریب استاندارد نشده		متغیر
						B	خطای معیار	
			۰/۰۰۰	۱۰/۹۰۲		۳/۲۱۵	۳۵/۰۴۷	ثابت
۰/۰۰۰	۷۹/۵۵۳	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰	۸/۸۱۹	۰/۳۹۴	۰/۱۱۰	۰/۹۷۲	عضویت انجمنی
۰/۰۰۰	۶۷/۳۰۲	۰/۲۷۸	۰/۰۰۰	۵/۵۱۰	۰/۲۵۶	۰/۱۵۵	۰/۸۵۴	آگاهی
۰/۰۰۰	۵۱/۳۳۰	۰/۳۰۷	۰/۰۰۰	- ۳/۶۸۱	- ۰/۱۶۶	۰/۰۹۳	- ۰/۳۴۲	بی قدرتی
۰/۰۰۰	۴۰/۰۵۳	۰/۳۱۶	۰/۰۳۲	۲/۱۴۹	۰/۰۹۹	۰/۰۸۴	۰/۱۸۰	پایگاه اجتماعی اقتصادی

منبع: یافته های میدانی و محاسبات نگارندگان

در مرحله سوم متغیر بی قدرتی وارد معادله رگرسیونی شده است. آماره ضریب تعیین تعدیل شده با ورود این متغیر به ۰/۳۰۷ افزایش یافته است، همچنین با توجه به این که مقدار آزمون اف^۱ (۵۱/۳۳۰) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱، معنادار است، نشان می دهد متغیرهای مستقل وارد شده در معادله قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. ضریب بتا در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ برابر با ۰/۱۶۶- است، بنابراین می توان عنوان کرد که به ازای کاهش (به علت منفی شدن بتا) یک انحراف استاندارد در متغیر بی قدرتی، تاثیر آن نیز به میزان ۰/۱۶۶- انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. در مرحله چهارم متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی را وارد معادله کردیم. آماره ضریب تعیین تعدیل شده با ورود این متغیر به ۰/۳۱۶ افزایش یافته است که نشان می دهد ۳۱/۶ درصد از کل واریانس متغیر وابسته مشارکت، توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. با توجه به معنی داری مقدار اف (۴۰/۰۵۳) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱، می توان نتیجه گرفت که مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر

مشارکت در امور شهری را تعیین کنند. همچنین طبق جدول موثرترین متغیر که در مشارکت تاثیر دارد متغیر عضویت انجمنی می باشد؛ بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه موثرترین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی است رد می شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بدیهی است که در دهه‌های اخیر، با رشد شتابان شهرها و شهرنشینی حکومت‌ها به تنهایی و بدون اتکا به شهروندان قادر به اداره امور جامعه نخواهند بود. به عبارت دیگر تنها بخشی از فعالیت‌های مرتبط با زندگی شهری توسط فرآیندها و روابط رسمی تعیین می‌گردد، در حالی که بسیاری از این فعالیت‌ها در تولید، مبادلات، تصمیم‌گیری و مواردی از این دست از طریق روابط غیر رسمی صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی عدم حضور و دخالت شهروندان در جامعه مدنی و عدم همکاری با دولت زمینه را برای تشدید مسائل و مشکلات شهری فراهم خواهد کرد؛ از این رو، در چند دهه اخیر پارادایم جدیدی از مدیریت شهری، مشارکت را محور سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است. در این پارادایم، نظام مدیریت شهری به تقویت حس اعتماد و همکاری میان مدیران شهری و شهروندان و حل مسائل و مشکلات شهری از طریق مشارکت می‌پردازد. در واقع، مشارکت در امور شهری افزون بر هویت‌یابی فردی و جمعی برای افراد، مبنایی برای تعامل فرآیندهای رسمی و غیر رسمی شده است.

در این پژوهش با استفاده از روش میدانی و استفاده از پرسشنامه به بررسی میزان مشارکت شهروندان و عوامل مرتبط با آن در شهر آمل پرداخته شد. از بین انواع مشارکت، تنها مشارکت اجتماعی با میانگین (۳/۰۲) در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشته و مشارکت مالی، فیزیکی، فکری و ذهنی و سیاسی از حد متوسط پایین‌تر بوده است. میانگین کل مشارکت (۲/۶۶) در شهر آمل نیز پایین‌تر از حد متوسط بود. نتیجه این آزمون با تحقیقات آنامرادنژاد و همکاران (۱۳۹۲)، و دانیل مونتالو (۲۰۰۸)، که نشان دادند مشارکت مردم در حد پایینی می‌باشد هماهنگی دارد. همچنین در مورد عوامل مرتبط با مشارکت که با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیره به دست آمده است، نشان می‌دهد که به ترتیب عضویت انجمنی، آگاهی، بی‌قدرتی و پایگاه اجتماعی اقتصادی دارای ارتباط معناداری با مشارکت می‌باشد و سایر متغیرها به دلیل عدم معناداری از مدل حذف شده‌اند. این نتایج با نتایج تحقیقات عبدالله پور و همکاران (۱۳۹۲)، عضویت انجمنی، الشکویی (۱۳۸۳)، بی‌قدرتی، آگاهی و عضویت انجمنی، هاشمیان (۱۳۸۹)، عضویت انجمنی، بی‌قدرتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و آگاهی، مونتالو (۲۰۰۸)، مارشال (۲۰۰۷) و کلی و دنیس (۲۰۰۸)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی) هماهنگی

دارد و دیگر متغیرها در این تحقیق ارتباطی با میزان مشارکت شهروندان ندارند. طبق این آزمون مهم‌ترین متغیری که با میزان مشارکت رابطه دارد، متغیر عضویت انجمنی می‌باشد. به این ترتیب، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه پایگاه اجتماعی - اقتصادی مهمترین متغیر مرتبط با مشارکت می‌باشد، رد می‌شود.

همچنین نتایج این تحقیق با نظریات گردآوری شده در رابطه با عوامل موثر بر مشارکت همانند نظریات مرتبط با احساس بی‌قدرتی که مشارکت افراد را ناشی از احساس تاثیرگذاری آنان بر برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات سازمان‌های دولتی همانند شهرداری می‌داند (ویر، مارکس، زیمل، ماری لوین، نیل سیمن و ملوین سیمن) این افراد بر این نکته تاکید دارند که هر چه احساس بی‌قدرتی فردی در میان افراد بیش‌تر رواج پیدا کند، افراد بیش‌تر دچار بیگانگی مخصوصاً بیگانگی سیاسی و اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، حالت‌های مختلفی (از جمله انفعال و بی‌تفاوتی) به خود می‌گیرند و نهایتاً کمتر مشارکت می‌کنند. نظریات مرتبط با عضویت انجمنی (نظریه لیپست) که بخشی از مشارکت مردم را ناشی از عضویت آنان در نهادها و سازمان‌های مختلف می‌داند. عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و...) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن‌ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد (هانا آرت، یوگن هابرماس، هانتینگتون و نلسون، گمسون، مایرز و آلن تورن)، نظریات مرتبط با پایگاه اجتماعی-اقتصادی، هرچقدر فرد از منزلت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردار باشد بر احساس توانایی و قدرت افراد افزوده می‌شود در نتیجه در امور شهر بیشتر مشارکت می‌کند و با نظریات مرتبط با آگاهی (طالب) انطباق دارد.

۵-۱- ارائه پیشنهادات

باتوجه به اینکه میزان مشارکت شهروندان در شهرآمل پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد، بنابراین راهکارهایی برای افزایش مشارکت شهروندان به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- طبق نتایج آزمون رگرسیون، متغیر عضویت انجمنی بر میزان مشارکت موثر می‌باشد. عدم عضویت یا عضویت پایین مردم یک شهر در نهادها و انجمن‌های مختلف باعث می‌شود که آگاهی آنان در رابطه با مسائل و امور شهری در حد اندکی باقی بماند و همین امر مانع پذیرفتن مسوولیت در رابطه با امور شهری در بین آنان می‌شود. بنابراین یکی از شیوه‌هایی که می‌توان از طریق آن مردم یک شهر را در ارتباط مستقیم با نهادهای شهری و مسوولین آن قرار داد، ایجاد شورای محلی در محلات و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها می‌باشد؛ زیرا

عضویت مردم در این شوراها به‌عنوان یک انجمن محلی آگاهی آنان را در رابطه با مسائل شهری افزایش خواهد داد و زمینه پذیرفتن برخی از مسوولیت‌های نهادهای شهری توسط مردم را ایجاد می‌نماید. همچنین با انتخاب یک نماینده در این شوراباری‌ها، مردم می‌توانند مشکلات محله خود را به شهرداری و سازمان‌های مرتبط اعلام کنند تا جهت رفع این مشکلات اقدامات لازم براساس پایداری شهری صورت گیرد.

- با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق، از دیگر متغیرهای موثر بر میزان مشارکت متغیر آگاهی می‌باشد؛ بنابراین نهادهای شهری و مسوولین می‌بایست با توسل به شیوه‌های متفاوت اطلاع‌رسانی، زمینه افزایش آگاهی مردم را در رابطه با این پدیده فراهم آورند. به نظر می‌رسد که بهتر است این اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌هایی که از اقبال عمومی بیشتری نزد مردم برخوردار هستند صورت گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسوولین شهرداری از طریق رسانه‌های تبلیغاتی پرمخاطب نظیر رادیو، تلویزیون و ... اطلاعات و آگاهی‌های بیشتری در رابطه با بحث مشارکت در اختیار مردم قرار دهند. بالا بردن میزان آگاهی و اطلاعات در زمینه‌های مربوط به مشارکت از طریق گسترش فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی جهت شناساندن مفهوم مشارکت، ابعاد و اهمیت و منافع آن در سطوح مختلف به ویژه برای کودکان و نوجوانان در سطح خانواده، مدرسه و ادارات با استفاده از تکنیک‌های نوین آموزشی به همراه پاداش‌های مادی و معنوی مناسب هم می‌تواند صورت گیرد. گسترش بولتن‌ها و روزنامه‌های خبری از سوی شهرداری، دعوت از نخبگان و اساتید دانشگاه‌ها در جلسات شورای شهر و استفاده از نظرات آن‌ها و برگزاری همایش‌های مرتبط با توسعه و مشارکت شهروندان می‌تواند در زمینه آگاهی شهروندان از مسائل شهری و در نهایت ایجاد حساسیت در آن‌ها در قبال این مسائل، مثرتر واقع شود.

- احساس بی‌قدرتی شهروندان در شهر آمل در رابطه با شهرداری و نهادهای شهری در حد بالایی است، تصور مردم آمل از سازمان شهرداری تصور سازمانی است که هیچ قدرتی در برابر آن نداشته و باید تابع بی‌چون و چرای تصمیمات اتخاذ شده از سوی آن باشند. در حالی که شهرداری و نهادهای شهری آمل می‌توانند با برگزاری جلسات مستمر مدیران با مردم به آراء، نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و اعمال خواسته‌های آنان، احساس بی‌قدرتی در بین مردم کاهش داده و از این طریق زمینه مشارکت آنان در امور شهر و همکاری با شهرداری را ایجاد نمایند. هم‌چنین این مقوله می‌تواند در قالب برگزاری کنفرانس‌های خبری از سوی مسوولین، دعوت از مردم برای شرکت در جلسات شورای شهر و استماع سخنان اعضای شورا و شهردار، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور شهروندان و... امکان پذیر شود.

- برگزاری جلسات مستمر مدیران با مردم در زمان‌های مشخص و احترام به آراء، نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و اعمال خواسته‌های آنان با انجام اینکار حس اعتماد شهروندان بالا رفته و در نتیجه برای مشارکت در امور شهر تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند.

- طراحی سایت‌های نظر خواهی و برقراری روابط الکترونیکی و حرکت کردن به طرف شهرداری الکترونیکی.

- همچنین مسوولین شهری برای جلب مشارکت مردم به ارائه مشوق‌هایی نظیر کاهش عوارض شهرداری و یا تخفیف آن‌ها برای شهروندانی که در مدیریت امور مربوط به شهر و محله خود مشارکت بیشتری دارند بپردازند. تشکیل هیئتی برای رسیدگی و بررسی به طرح‌های پیشنهادی مردم در راستای توسعه‌ی شهری و اهدای جوایز به بهترین طرح‌های مردمی نیز از دیگر راهکارها می باشد.

منابع

- آنامرادنژاد، رحیم بردی؛ بوذری، سیما و حسینی دوست، سودابه (۱۳۹۲). نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (نمونه موردی آمل). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۱(۳)، ۱۳۸-۱۲۷.
- اجزاء شکوهی، محمد؛ قربانی، زینب و ضربی قریدونی، محمدعلی (۱۳۹۳). بررسی نقش مشارکت شهروندان در مدیریت شهر آمل. *اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار*. تهران: موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران. برگرفته از https://www.civilica.com/Paper-UUSD01-UUSD01_1313.html
- الشوکی، سیدیحیی (۱۳۸۳). *مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور شهر منطقه ۶ تهران* (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی* (چاپ چهارم). ترجمه باقر ساروخانی. تهران: نشر کیهان.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی، حسین (۱۳۸۶). *نظریه‌های شهر و پیرامون* (چاپ دوم). تهران: انتشارات سمت.
- تقوایی، مسعود؛ بابانصب، رسول و موسوی، چمران (۱۳۸۸). *تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری*. *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۱(۲)، ۱۹-۳۶.

- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله - مبنا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. *مجله هنرهای زیبا*، ۲۶، ۴۶ - ۳۷.
- حسین زاده، علی حسین؛ ایدر، نبی الله و عباسی، الهام (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد، *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری*. ۲(۲)، ۸۲-۵۹.
- حکمت نیا، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲۱(۱)، ۱۳۶-۱۲۱.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). *نظریه های جامعه شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- دانشمندی، علی (۱۳۷۷). نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی. در مجموعه *مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم (جلد سوم)*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- رجبی، آزیتا و حصاری نژاد، جعفر (۱۳۹۲). شرکت های مردم نهاد شهری، راهکاری برای مشارکت شهروندان در مدیریت شهری. *نشریه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۱(۴)، ۱۲۹-۱۱۱.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه. *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۱۰، ۶۳ - ۵۴.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱). *مدیریت عمران شهری*. تهران: انتشارات پیوند نو.
- روشه، گی (۱۳۷۶). *جامعه شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه هادی غبرانی و داودطباطبائی. تهران: انتشارات روش.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹). *مدیریت شهری*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری، وزارت کشور.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۳). *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی* (چاپ سوم). تهران: انتشارات سمت.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۳). ابعاد و کارکردهای سرمایه ی اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن. در *مجموعه مقالات بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران. *مجله جغرافیا و توسعه*. ۱، ۶۲ - ۳۷.
- عباس زاده، محمد (۱۳۸۷). *بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر، مطالعه موردی: شهر اصفهان* (رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان).

- عبدالله پور، جمال؛ مختارپور، حسن و مختارپور، رجبعلی (۱۳۹۲). مشارکت پذیری شهروندان تهرانی در حوزه وظایف شهرداری (مطالعه موردی: شهروندان منطقه ۴ شهرداری تهران). مجله مدیریت شهری. ۳۱، ۱۷۵ - ۱۷۴.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران) جلد اول. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- علیزاده، کتایون؛ رضوی نژاد، مرتضی و رادفر، مینا (۱۳۹۲). بررسی نقش مشارکت مردم در اداره امور شهری. فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱، ۸۷ - ۶۱.
- غفاری، غلامرضا و جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۹۰). مشارکت های مردمی و امور شهری. تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری، جامعه و فرهنگ.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت (چاپ اول). تهران: نشر نزدیک.
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران (پایان‌نامه مقطع دکتری تخصصی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان. روستا و توسعه، ۸(۴)، ۷۹-۱۱۲.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵.
- مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری (۱۳۸۰). الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها. فصلنامه مدیریت شهری. ۵، ۱۱۲-۱۰۲.
- نوریان، فرشاد (۱۳۹۱). تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۱۷(۲)، ۲۷-۱۵.
- هاشمیان، مریم (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مطالعه موردی مشهد (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد).
- هاشمیان، مریم؛ بهروان، حسین و نوغانی، محسن (۱۳۹۲). عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد. دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۱، ۱۹۵-۱۷۳.

- یاور، بیژن (۱۳۸۰). شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر/ایرانی (پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران).
- Dahl, R. A. (1984). *Modern political analysis* (4 Ed). Newjersy: Prentice hall.
- Etemadi, F. U. (2000). Civil society participation in city governance in Cebu City. *Environment and Urbanization*, 12(1), 57-72.
- Field, J. (2003). *Social capital*. Routledge, London.
- Larson, K. L., & Lach, D. (2008). Participants and non-participants of place-based groups: An assessment of attitudes and implications for public participation in water resource management. *Journal of Environmental Management*, 88(4), 817-830.
- Lockhart, Stacy Marie (2003), *Factors affecting participation in city recycling programs* (Master's thesis, Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College).
- Marschall, M. J. (2004). Citizen participation and the neighborhood context: A new look at the coproduction of local public goods. *Political Research Quarterly*, 57(2), 231-244.
- Montalvo, D., & Phillip, R. T. (2008). Citizen participation in municipal meetings. *Revista deficiencia pOLítica*, 28(3), 219-227.
- Ritzer, G. (2011). *Sociological theory* (8th Ed), Newyork: McGrow Hill.